



دوم  
بهمن  
۱۳۰۷

# خبرنامه کومهله ۱۰۸

شنبه ۳۰ آبان ۱۳۰۷

## ۳۵ سال قبل در روز دوم بهمن جمهوری خود مختار کردستان به رهبری قاضی محمد در میدان چوارچراغ اعلام گردید.



بمناسبت دوم بهمن :  
سی و پنجمین سالگرد اعلام جمهوری خود مختار کردستان

طبی کرد ها، مرد کردستان را باها به مبارزه طبع این دلتها برمی انگخت و جنبشهای طبعی را در میان آنها دامن می زد .  
طبقه متوسط کردستان که از تجار تشکیل میشد ، کسبه و دکانداران پیشه‌وران شهر و روشنفکران ( تحصیل کرد ها و طلبه ها عیان زبان ) ، دهقانان و خرده مالکین هر کدام بنحوی و در حد خود با تسلط حکومت مرکزی مخالف بودند . طبقه متوسط در همین مخالفت با دولت مرکزی و نفوذ آنها بخاطر موقعیت اقتصادی عقب ماند ما ش نمی توانست خواستار

تنگ نظرانه از طرف دیگر مانع این شده که این جریان بادی بدی طبعی مورد تحلیل بررسی قرار گیرد . مادر زیر بطور مختصر ضمن اشاره به بعضی شرایط تاریخی واجتماعی آن زمان به بررسی نکات مثبت و منفی این جمهوری می پردازیم :  
طت کرد بخاطر شرایط موامل تاریخی از جنبه قرار گرفتن بین دو امپراطوری فتودالی توسعه طلب ایران و عثمانی از لحاظ اجتماعی و اقتصادی نسبت به طل مجاور منطقه عقب ماند ، اما به هر حال ، تاریخ و زبان مشترک

● " طبقه کارگرایان به علت ضعف کمی و کیفی خود ، به علت اینکه فاقد حزب انقلابی پیرو خود بود ، نتوانسته بود رهبری مبارزات دموکراتیک را در ایران و منطقه در کردستان به دست گیرد ، در بین زحمتکشان و خلقهای ایران پیوند محکم و واقعی بوجود آورد و جنبش را به سمت پیروزی هدایت کند . "

تکالی انقلابی در جامعه باشد بیشتر در پی سازش با نفوذ الهه و مأمورین دولتی بود تا مبارزه با آنها . بخشهایی تر جامعه بهمنی کسبه و زحمتکشان شهر و روشنفکران و دهقانان از طبقه متوسط مترقی تر و در مبارزه طبعی ارتجاع مرکزی و نفوذ الهی محلی قاطعتر و پیگیرتر بودند . خرده مالکین تا آنجا مخالف خود کامی مأمورین دولت و اربابان فتودال بودند

و علاوه توسعه تدریجی تجارت و هدایت و رشد طبقه متوسط تجار در اوایل قرن نوزدهم در سرزمین کردستان ، سبب شد ند که در بین مردم این سرزمین خصوصیات واحساسات طبعی مشترکی پدید آید . ستم سرکوب دولتهای مرکزی ، ظلم و آج گوی مأموران دولتی ، جنگهای قومسی و مذ هبی طبعی اهالی این سرزمین و جریحه دار کردن فرهنگها حساسا

اکنون سی و پنج سال از اعلام جمهوری خود مختار کردستان که مرکز آن در مهاباد بود میگذرد . بعد از تشکیل فرقه دکورات آذربایجان و تشکیل حزب دکورات کردستان ، در تاریخ دوم بهمن ( ۲۲ بهمن ) سال ۱۳۲۲ در میدان چوارچراغ ( چهارچواغ ) مهاباد با حضور جمع کثیری از مردم منطقه و دیگر نقاط کردستان ، در میان شور و شوق مردم متوسط شهید قاضی محمد جمهوری خود مختار کردستان اعلام گردید .  
شارواختتای رژیم شامکما زهرگوشه دیکراسی و آزادی میان و مطبوعات و نشر آزادانه افکار و عقاید جلوگیری نکرد از یک طرف ، و سرخورد های

که با همکاری و از دستشان خارج نکنند. علاوه بر اینها فتودالها و روسای مشایر هنگامیکه حکومت مرکزی دچار ضعف میشد پس جنبش ملی اوج میگرفت، ظاهرآ تحت عنوان "گوردابی" در مقابل حکومت مدافع مردم میشدند اما در حقیقت میخواستند اولاً "مو" - قمیت خود را در برابر دهقانان و سایر توده های مردم حفظ کرده ثانیاً "از فرمانبرداری دست آمده برآید" تا تحت و تاز به نفع خود استفاده کنند.



منطقه مکران در کردستان ایران در زمان جنگ جهانی دوم به خاطر اهمیت روابط تجاری با کردستان عراق و کردستان ترکیه و داشتن ارتباط اقتصادی و سیاسی با آذربایجان ایران و از طریق با آذربایجان

— مشایر و فتودال — روحانیون در بخشهای مختلف کردستان طیف حکومتی مرکزی منطقه میگشتند، کومله ژ.ک. جریانی بود که در نیک جنبش ملی کردستان، رهبری فتودال ضمیمه ای را مورد سوال قرار میداد و از روابط مستقیم — گرانه فتودالی انتقاد می نمود که در نتیجه همین خصوصیت توانست از جانب بخشی از دهقانان مورد پشتیبانی واقع شود. علاوه بر آن کومله ژ.ک. توانست مدعی از فسرزندان تحصیل کرده سران مشایر را که هم چون عده مالکین مخالف تسلط پدران مشایر خود بودند، بسوی خود جلب نماید، اعلامیه های کومله ژ.ک. توسط اینگونه افراد در دهات به درو، دیوار منازل خانها و روسای مشایر چسبانده میشد. بدین

ستمدیده سراسر جهان احساسات طرفداری از حکومت شوروی پیدا کرده بود و توده های مردم آذربایجان و کردستان هم از این قاعده مستثنی نبودند. در چنین شرایطی بود که کومه له ژ.ک. در اثر فشار نمایندگان دولت شوروی که بجای تکیه به اشخاصی صاحب نفوذ بودند، با اندک مخالفتی از جانب بعضی از همبران بالا عرصه حاضر شد نظر شوروی را قبول کرده چه تعدیل آن به حزب دمکرات کردستان گسیخته نشد. البته با همین بودن سطح آگاهی سیاسی اهلای رهبری کومله ژ.ک. در قبول این سیاست تعدیلات موثر بود. قاضی محمد شخصیتی بود که بدلیل داشتن گرایشها و سنتهای ملی و نفوذ خانوادگی شخصی او در میان طبقه متوسط، روحانیان

کومه له ژ.ک. جریانی بود که در نیک جنبش ملی کردستان، رهبری فتودال - عشیروای را مورد سوال قرار میداد و از روابط مستقیم فتودالی انتقاد می نمود. در نتیجه همین خصوصیت توانست از جانب بخشی از دهقانان مورد پشتیبانی واقع شود.

شوروی، مرکز جریانات سیاسی و رشد مبارزه برای رفع ستم ملی گردید. ورود ارتش سرخ به شمال ایران و ضعف حکومت شاه زمینه های برای پاک رفتن مبارزات سیاسی جدیدی در این منطقه شد.

در بهشت هنج شهر پور سال ۱۳۲۱ همراه با رشد مبارزات ملی در کردستان ایران، کومله ای ژ.ک. (کومه له) زبانه های کورد) بوجود آمد که عناصری از طبقه متوسط، روشنفکران، کسبه و زحمتکشان شهری، دهقانان و عده مالکینی که مخالف سلسله مراتب فتودالی - عشیروای بودند، آنها را تشکیل میدادند. کومله ای ژ.ک. نماینده تمایلات ملی و مترقیانه و دمکراتیک اکثریت مردم کردستان ایران بود. بعد از مدتها کما و جنبشهای مبارک رنگ ملی ملی به رهبری فتودال -

جهت در آن زمان فتودالها و سران مشایر، هواداران کومله ژ.ک. و اردوهای مورد اذیت و آزار قرار داده و آنها را کافر و بی دین می خواندند و بدینوسیله میخواستند از گسترش افکار ترقی خواهانه که طبقه تسلط صد هاساله آنان بود جلو گیری بعمل آورند. اوچگیری مبارزات مردم و فتودال روز افزون کومله ژ.ک. همزمان بود با ورود ارتش سرخ به آذربایجان و کردستان و ضعف حکومت مرکزی. دولت شوروی مایل بود در آذربایجان و کردستان جمهوریهایی دمکراتیکی ایجاد شود که به جای دشمنی با شوروی دوست آن باشند. البته در اثر انقلاب کمپراکتور و آزادی طبقه کارگر روسیه چه رسمیت شناختن حق طلب در تعیین سرنوشت خویش، در میان زحمتکشان و مسلط

و مالکین، از جانب شوروی برای رهبری جنبش مناسب تشخیص داده شد و به عضویت در رهبری کومله ژ.ک. درآمد. همانطوری که گفتیم کومله ژ.ک. با پشتیبانی و اسرار نمایندگان دولت شوروی به حزب دمکرات کردستان تبدیل گردید. بدینحال تأسیس حزب دمکرات و سپس اعلام جمهوری خود مختار کردستان و انتخاب قاضی محمد به عنوان رئیس جمهور (پیشوا) و برگزیدن نخست وزیر و اعضای کابینه، حکومت خود مختار آغاز بکار کرد و کمتر از یکسال حکومت آن ادامه داشت. در طی این مدت، بهمانی بین مردم و جمهوری خود مختار کردستان و آذربایجان که در برگیرنده تعهد همکارانه ای نظامی، سیاسی و اقتصادی بود، در بهار سال ۱۳۲۵ به

امضا رسید. طرفین تعهد کردند که هر نوع مذاکراتی با تهران به موافقت و طرف انجام گیرد. همین قرار شد که اقلیت ترک در جمهوری خود مختار کردستان و اقلیت کرد در جمهوری خود مختار آذربایجان از حقوق اداری و فرهنگی مساوی با بقیه مردم هر کدام از این جمهوریها برخوردار گردند. در آخر موافقت نامه اضافه گردیده بود که

رهبران و تأثیرات آن بر سیاست بین‌المللی اتحاد شوروی، همچنین تماسهای مکرر قوام السلطنه با این دولت و دادن امتیاز نفت شمال به آن، منجر به فراخواندن ارتش سرخ از ایران و سایر این از کردستان گردید. با رفتن ارتش سرخ، جمهوری پشت پناه خود را از دست داد و

قاضی محمد می توانست خلق را تنها گذاشته و بگیرد. می توانست به تسلیم شخصی و مدح و ثنا ی رژیم شاه تن در دهد، اما او هیچکدام از این راهها را انتخاب ننمود. بلکه تصمیم گرفت با ایستادگی شخصی و تسلیم نشدن در برابر رژیم سرکشیگر خاطره‌های بزرگ از جمهوری مهاباد و از خود باقی بگذارد. اگر پس از شهادت، قاضی محمد به یک نوع قهرمان ملی تبدیل شده و در اذهان و خاطره های مردم مورد احترام قرار میگردد، اساساً بخاطر آنست که با تسلیم نشدن و شهادت تر کینه خلق ستم‌پذیر کرد را نسبت به جلادان خود برمی انگیزد و برای جمهوری مهاباد وجه اظهار احساسات موافق کسب نموده و بعد ها مقاومت شخصی وی به سبلی برای مقاومت تمام جمهوری مهاباد تبدیل شده است.

... «هم چنین قرار شد که اقلیت ترک در جمهوری خود مختار کردستان و اقلیت کرد در جمهوری خود مختار آذربایجان از حقوق اداری و فرهنگی مساوی با بقیه مردم هر کدام از این جمهوریها برخوردار گردند. در آخر موافقت نامه اضافه گردیده بود که تقض هر کدام از این موارد موجب تضعیف وحدت تاریخی ملت‌های ترک و کرد خواهد شد»

تقض هر کدام از این موارد موجب تضعیف وحدت تاریخی ملت‌های ترک و کرد خواهد شد به علاوه قرار شد دو هیئت زیرین از طرفین، این موافقت نامه را اجرا در آورند:

دیگر قادی به دفاع از خود در برابر حکومت مرکزی نبود. ارتش رژیم شاه بعد از تسلط شدن بر آذربایجان قصد آمدن به مهاباد را کرد و در این هنگام سپهبد هتاهونی بمقتضی وارد شد. قاضی محمد و حاج باباشیخ نخست وزیر جمهوری مهاباد استقبال او

محمد حسین سیف قاضی، سپهبد عبداللہ کیلانی، عمرخان شکاک، رشید بیگ هرکی، زهریو بیگ هرکی، قاضی محمد خضری (قاضی شلو)، هیئت آذربایجان: جعفر شهبوری، حاج میرزا علی شهبوری، صادق پادگان، سلام الله جاوید و محمد بی‌ریا.

رفته و قول دادند مهاباد را بسوی درگیری تحویل داده و مایه سلاح نیروهای مخصوص جمهوری موافقت نمایند. سران ارتش نیز قبول عضو عمومی دادند. اما در روز آزادی مهاباد و مایه سلاح نیروها مخصوص جمهوری نگذاشته بود که حکم توقیف سران جمهوری را صادر کردند. در این میان مقصد های توانستند خود را مخفی سازند.

جمهوری خود مختار کردستان اقدام به افتتاح جد آرسی نمود که در آنجا به زبان کردی تدریس میشد. همچنین عدای از جوانان و تحصیل کرده های کرد را بتدریج به اتحاد شوروی برای تحصیل در دانشگاه های آنجا فرستادند. در این جمهوری زندانی سیاسی وجود نداشت و کسی به خاطر عقیده دستگیر نمی شد. چند روز نامه از جمله "کردستان"، "هاله" و ... به بیان کردی منتشر میشد.

به این ترتیب عمر کوتاه جمهوری خود مختار کردستان به پایان رسید. در ۱۳۲۶ قاضی محمد همراهان او سیف قاضی و صد قاضی توسط جلادان رژیم پهلوی در میدان "چوارچرا" به چوبه دار آویخته شدند و کسان جوان شهدای خلق پیوستند. شهادت قاضی محمد قاضی بزرگی در احساسات توده های مردم کردستان بجای گذاشت.

☆☆☆  
جمهوری خود مختار کردستان اگرچه بعضی سنتهای دیموکراسی را معمول داشت اما بدلیل اساسی که در او نبود نمی توانست. نیروهای سرکشی رژیم شاه کند و حتی چنانکه دیدیم اساساً چنین تمایلی هم به مقاومت از خود نشان نداد. مادر مطونیر به این ضعفها اشاره می کنیم: حکومت خود مختار به خاطر تقیه کردن مقامات اداری و نظامی از طرف تجار بزرگ و مالکین و سران مشایخ و کارمندان دولت سابق، با توده های مردم بهره زحمتکش شهر و روستا دارای فاصله زیادی بود و نمی توانست پشتیبانی فعال آنها را بخود جلب کند و زحمتکشان نسبت به سرنوشت آن بی تفاوت ماندند. بعضی از سران مشایخ و فوئدال های کردستان مستقیماً در خدمت حکومت مرکزی بودند و



بخشی دیگر که بخاطر "موقع شناسی" در حکومت خود مختار رخنه کرده بودند اما در جهت تماس با دولت مرکزی رانسته و سرانجام وقتی تشخیس دادند که جمهوری قدرتی ندارد و باید مورد مخالفت قرار گیرد به آن پشت کرده و مشغول ساخت و ساخت با رژیم شاه شدند .

۲- بنابه دلیل فوق و بخاطر ضعف و ناپه گیری طبقه "متوسط" این حکومت غیر از تشکیل یک نیروی پیشمرگ مخصوص جمهوری آنها به

معنای دیگری جز عدم شرکت و دخالت توده ها در سرنوشت سیاسی نمی توانست داشته باشد .

۴- جنبش مزبور تمام مناطق کردستان را در بر گرفته و منطقه مکران محدود مانده بود . بنابراین همین محدود ماندن جمهوری به یک منطقه کوچک خود یکی از عوامل شکست آن بشمار میرفت .

طبقه کارگر ایران بعلمت ضعف کمی و کیفی خود ، بعلمت اینکه فاقد حزب انقلابی پیشرو خود بود ، نتوانسته بود رهبری مبارزات دمکراتیک را در ایران بر عهده و خطه در کردستان بدست گیرد ، در بین زحمتکشان و خلقهای ایران پیوندی محکم و واقعی بوجود آورد و جنبش را به سمت پیروزی هدایت کند . عقبماندگی اجتماعی کردستان عدم رشد نیروهای اجتماعی نوین ، بسا

... در آن زمان فتودالها و سران عشایر ، هواداران کومله ای ژنک را در دهات مورد اذیت و آزار قرار داده و آنها را کافر و بی دین میخواندند و بدینوسیله میخواستند از گسترش افکار ترقیخواهانه که علیه تسلط صدها ساله آنان بود جلوگیری بعمل آورند . "

تعداد محدود ( به فرماندهی "مصطفی خوشنوا" ) اقدام به تشکیل نیروهای مسلح منظم نمود و نیروی مسلح عمده آن همان نیروهای نامنظم هراکنده عشایری و فتودالی بود . ماهیت طبقاتی حکومت عدم توانایی آن برای جنب زحمتکشان ، خود نیز زمینه های بودگی این حکومت نتواند نیروی منظم بزرگی از آنها برای دفاع از جمهوری بوجود آورد .

۳- علاوه بر تکیه حکومت خود مختار به نیروهای ...

۴- علاوه بر تکیه حکومت خود مختار به نیروهای ...

۵- علاوه بر تکیه حکومت خود مختار به نیروهای ...

۶- علاوه بر تکیه حکومت خود مختار به نیروهای ...

۷- علاوه بر تکیه حکومت خود مختار به نیروهای ...

۸- علاوه بر تکیه حکومت خود مختار به نیروهای ...

۹- علاوه بر تکیه حکومت خود مختار به نیروهای ...

۱۰- علاوه بر تکیه حکومت خود مختار به نیروهای ...

۵- زنان تقریباً هیچگونه نقشی در مبارزات سیاسی نداشتند و جامعه عقبمانده کردستان در آن هنگام ارزشی برای مبارزه زنان قائل نبود .

۶- حکومت خود مختار مناطق ایران را در بر گرفته و آنجا را محدود و در سطح رهبران ( پیوندی نداشت و نتوانست پشتیبانی آنها را بخود جلب کند ، در حالی که مبارزه پیروزمندانه علیه دستگاه سرکوب وابسته به امپریالیسم ، اتحادیه فعال از همه نیروهای مبارز و انقلابی را در سراسر ایران طلب میکرد .

۷- سرانجام طلت اساسی تمام ضعف های جمهوری همانستاد

باین بودن شدید سطح آگاه زحمتکشان همراه بود . نظام عشایری دیرپای کردستان و استبداد وابسته به امپریالیسم رضاشاهی ، توده های مردم را در فقر و بیسوادی و جهالت نگاه داشته بود و زحمتکشان هم در وضعی نبودند که بطور آگاهانه در سرنوشت سیاسی خود شرکت نمایند .

بنابراین این محدودیتهای تاریخی ، رهبری جنبش طبقاتی و دمکراتیک بطور طبیعی در دست تجار و روحانیون ، فتودالها و روسای عشایر قرار گرفت که بنابه ماهیت خود جنبش را بسوی شکست کشاندند .

... حکومت خود مختار با مبارزات توده های مردم دیگر مناطق ایران پیوندی نداشت و نتوانست پشتیبانی آنها را بخود جلب کند . در حالی که مبارزه پیروزمندانه علیه دستگاه سرکوب و وابسته به امپریالیسم ، اتحادیه فعال از همه نیروهای مبارز و انقلابی را در سراسر ایران طلب میکرد . "

عقب ماندگی اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی ایران و ویژه کردستان بود .



... "ارتش سرخ تا هنگامیکه در ایران بود مهمترین تکیه گاه این حکومت بشمار می آمد و این خود عاملی در تشدید جدائی آن از توده های مردم بود . یعنی تشکیل حکومت خود مختار بانگآ ، به نیروی خارجی معنای دیگری جز عدم شرکت و دخالت توده ها در سر نوشت سیاسی نمیتوانست داشته باشد "

گرامی باد یاد شهید خلق گورد قاضی محمد و یارانش .

بادرس گرفتن از تجربه های دوم بهمن آنرا ارج گذاریم .



## بسیار انقلابی شهید کاک رضایوسی

کاک رضایوسی انقلابی پاک باخته و همزیم فدائکار ما در سال ۱۳۳۳ به دنیا آمد . پس از پایان تحصیلات خود در شهر سنندج در سال ۱۳۵۳ وارد دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران شد . در دوران دانشجویی و در سالهای اوج مبارزات بر طبقه رژیم مذبذبه شاه نقش فعالی داشت و در روزهای بعد از قیام در صف دانشجویان مبارز در راه آزادی طبقه کارگر به مبارزات خود ادامه داد . در نوروز خونین سنندج ، راهپیمایی به سوی میوان و دیگر صحنه های مبارزات مردم قهرمان سنندج شرکت فعال داشت و با شور و شوق انقلابی کم نظیری در پیشبرد امر مبارزه توده ها ماسی کوشید .

در راهپیمایی تاریخی بسوی میوان مأمور تدارکات راهپیمایی بود . در هجوم اول رژیم به کردستان به منظور جمع آوری کمک های مالی و تدارکاتی برای پیشمرگان کومله به تهران رفت و در این کار نقش بسیار ارزنده ای داشت .

در دوران آنترسی در کمیته دانش آموزی کومله در سنندج همراه با یاران انقلابی و فدائکارش کاک وفاسهامی به فعالیت پرداخت و در این دوره در پی یادداشتن سری " نمایندگانهای مبارزات خلق کرد " فعالانه شرکت داشت و مسئول این نمایندگانها بود که با استقبال وسیعی در شهرهای کردستان روبرو گردید .

در جریان مقاومت تاریخی و حماسه آفرین بهار سال مگردم قهرمان سنندج در صف پیشمرگان کومله دلیرانه جنگید و بعد از خروج از شهر سلطنت سیاسی یک دسته از پیشمرگان را به پیاده گرفت و مدتی بعد مسئول سیاسی پل گردید . و سرانجام در تاریخ ۵۹/۱۰/۲۵ به ضرب گلوله مزدوران ارتجاع در یک تیراندازی قهرمانانه در نزدیکی روستای کلاته زخمی گردید و چند ساعت بعد به شهادت رسید . بهر این رفیق شهید در میان آنستد و فراوان روستائیان منطقه طی مراسم باشکوهی در نزدیکی محل شهادتش بخاک سپرده شد .

● در یک نبرد دو ساعته  
رکلاته (سنج) ، نیروهای  
دشمن مجبور به عقب نشینی  
شدند .

● ۵۹/۱۰/۲۵ - سحرگاه این  
روز یک ستون ارتشی به اسناداروی  
جاش به روستای " کلاته " زحفش  
کلاتزان حمله کردند و در پیرون  
روستا با چند تن از پیشمرگان کومله  
( پل شهید قطبه ) درگیر شدند .  
عده از نیروهای دشمن که  
به داخل آبادی هجوم بردند  
به اذیت و آزار اهالی پرداختند .  
درگیری باقیه ستون بمدت دو  
ساعت ادامه داشت و سرانجام  
دشمن با هجاگداشتن یک کشته  
و دادن چند زخمی مجبور به عقب  
نشینی گردید .

در این درگیری کاک رضایوسی  
بیشمرگ فدائکار و مسئول سیاسی  
پل زخمی گردید و چند ساعت بعد  
به شهادت رسید ، همچنین در نبرد  
از اهالی روستای " کلاته " بر اثر  
تیراندازی نیروهای سرک گر هنگام  
هجوم به روستا زخمی گردید و  
تعدادی از کوسفندان آبادی تلف  
شدند .

## در ادامه عملیات وسیع پیشمرگان -

## گومه له برای بیرون راندن مزدوران

بعث (زرگاری) :

در منطقه کلاترزان

یکی از پایگاههای آنها بتصرف پیشمرگان درآمد.

مقادیر زیادی اسلحه و مهمات بغنیمت گرفته شد.

عده ای از مزدوران دستگیر گردیدند.

توضیح هدفهای کومه له ساز  
ما روزه با مرتجعین زرگاری همچنان  
ادامه یافت.

در مجموع دستگیر شدگان ۶  
تن زندانی و قبه پس از روشنگری  
و پاسپردن ضمانت در حضور  
اهالی د روستای "برور" و گهوه  
آزاد گردیدند.

سلاحها و مهمات بدست آمده  
در این عملیات عبارتند از: ۸ قبضه  
کلاشینکوف و یک قبضه تیربار  
کلاشینکوف به اضافه ۲۹ خشاب  
و ۱۶۶ گوله ۳۰ قبضه تفنگ  
برنوبه اضافه ۸۲۰ گوله و یک

قبضه آر. پی. جی. با ۱۶۰  
گوله ۲ کلت و یک قبضه نارنجک  
انداز همراه با ۲۸ گوله و مقدار  
وسایل دیگری دست پیشمرگان  
افتاد.

### مریوان

● ۵۹/۱۰/۱۸ - در اثر توطئه  
بستن و خیمه باران روستاهای  
مرزی مریوان توسط مزدوران رژیم -  
های ضد خلقی ایران و عراق در  
روستای (ساوجی) د و نغرا ز اهالی  
بید فاع بنامهای حاجی سمیع  
و مصطفی فرزند (حمه گز) شهر  
وهشتخانه سکونی ویران و چند  
- بن راس گوسفند تلف گردید.  
همچنین در روستای (ساوا) نیز  
یک نفر در اثر این گولهباران سبانه  
شهادت رسید. در نتیجه ۳۰۰ تن  
جنگ خانمانسوز و ویرانگر مردم  
منطقه از جمله اهالی روستاهای  
(ساوجی)، (میرگه د ریز) و (نه)  
(چی) خانه و کاشانه خود را ترک  
و به روستاهای دور دست کوچ کرد -  
هاند.

● عده ای از آزاربان و کارمندان  
مریوان در اثر فشار اودیت و آزار  
جاشها و اسداران شهر را ترک  
کرده و به روستاها پناهنده اند.

از آنان سلیمنوده، بطوریکه  
مزدوران بعد از مدت کوتاهی  
درگیری خود را تسلیم پیشمرگان  
نمودند و در این جریان تنها  
یکی از پیشمرگان زخمی سطحی  
پیدا شد.

در جریان تصرف این مقر  
زرگاری مقادیر زیادی اسلحه و  
مهمات بدست آمد. در همین  
روز پیشمرگان کومه له در ادامه  
عملیات دستگیری و خلع سلاح این  
مزدوران وارد روستای "گسوه" ،  
شدند و در آنجا نیز تعدادی دیگر  
از آنها را دستگیر و خلع سلاح  
نمودند.

دستگیر شدگان از مرتجعین ،  
اشرار منطقه ، قاطین فراری و عده -  
ای غریب خورده تشکیل دسی  
شدند.

از آنجا که این مزدوران طی  
مدت اقامت خود در این روستاها  
موجب اذیت و آزار و در موارد  
متعدد قتل و جرح و مسودم گر -  
- دیده و هزار به جمع آوری پول  
از مردم تبذیرت و زحمتکش می  
پرداختند و همچنین وابستگی  
آنها به رژیم جنایتکار بعث عراق  
برای مردم آشکار گردیده بود ،  
این عملیات پیشمرگان کومه له  
باعث شادی و خوشحالی مردم  
منطقه کلاترزان شد. هدف نهال  
آن جوله سیاسی پیشمرگان برای

● هدف نهال عملیات وسیع پیشمرگان  
کومه له بر طبله مزدوران وابسته به  
بعث زرگاری که خنجر به پاکسازی  
آنان از مناطقی از اوزامانات گردیده ،  
سازمان ما بر نامه دیگری را برای  
بیرون راندن آنان از منطقه کلاترزان  
آغاز نمود. همان منظور پیشمرگان  
کومه له از قتل شهید سعید ، لبق  
شهید رحمان و پهل شهید قلبه  
طی یک برنامه مشترک ابتدا جوله  
سیاسی وسیعی را در این منطقه  
آغاز کردند و در اجتماعات پر شور  
روستاییان در مورد ماهیت ارتجایی  
و وابسته مزدوران زرگاری و همچنین  
دشمنی دیرینه رژیم عراق با خلق  
کرد در مورد و کشور ایران و عراق و لزوم  
هشیاری زحمتکشان کردستان  
در برابر دخالتهای رژیم بعث  
در کردستان ایران با توجه به  
تجهیزات فانی خلق کرد در این  
زمینه ، برای مردم سخن گفتند ،  
در ادامه جوله خود سرانجام  
در روز ۵۹/۱۰/۱۸ پیشروی  
مستقیم خود را بسوی مقر اصلی آنها  
در روستای "برور" آغاز کردند و  
ساعت ۶ صبح در میان برف سنگین  
بسرهای سخت سحرگاهان  
پایگاه اصلی زرگاری را در این  
منطقه بمحاصره در آوردند و  
مناطق حساس و سنگرهای آنان  
را اشغال نمودند. این حمله  
فانلگیرانه امکان هرگونه مقاومتی را